

عنوان مقاله:

سهراب در آیینہ سیاوش (بررسی مکا نیسم دفاعی جا به جایی در رفتار عاطفی رستم)

محل انتشار:

دوفصلنامه ادبیات پهلوانی، دوره 6، شماره 6 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسندگان:

محمد رضا صالحی مازندران - Ahwaz Chamran University

بهمن ساکی - Ahwaz Chamran University

خلاصه مقاله:

شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، یکی از دقیق‌ترین و هنرمندانه‌ترین آثار منظوم تاریخ ادبیات ایران و جهان است. تعدد شخصیت‌ها در شاهنامه و نحوه کنش و تعاملات میان آن‌ها مبین این نکته است که خالق آن به بسیاری از نکات و دقیق‌روانی و شخصیتی آگاهی داشته و در پرداخت شخصیت‌های داستانی، توجه لازم را داشته است. رستم، قهرمان ملی ایران، از موثرترین چهره‌هایی است که نقش‌های فراوانی برای ایران می‌آفریند و گره‌گشا ترین پهلوان در شاهنامه می‌باشد. این مقاله رستم پیلتن را در ترازوی عاطفه بررسی می‌کند؛ زیرا او در تراژدی‌های رستم و سهراب و داستان سیاوش، رقیق‌ترین عواطف را از خود بروز می‌دهد و از آنجا که فردوسی نگران سرنوشت و حالات روحی شخصیت‌های شاهنامه است، با سپردن تربیت سیاوش به رستم و جا به جایی عاطفه او به سمت سیاوش، تسلای روحی و روانی‌اش را خواستار است. این مسأله توجه و شناخت عمیق نویسنده را به مسائل روانی و شخصیتی آدمی نشان می‌دهد. ایفای نقش رستم در داستان سیاوش منطبق بر نظریه مکا نیسم‌های دفاعی و مقابله با فشار روانی است. از آنجا که وی نتوانسته است مربی فرزند خود باشد، حال بر این است که کاستی‌های وجودی و روانی خود را در مواجهه با سیاوش جبران کند. او سهراب را در آیینہ سیاوش نظاره می‌کند و انگیزه‌های ارضا نشده‌ی خود را با مکا نیسم جا به جاسازی به مجرای می‌راند که موجب کاهش تنش‌های روانی و حفظ عزت نفس او می‌گردد.

کلمات کلیدی:

Ferdowsi, Rostam, Siavash, defense mechanisms, replacement, فردوسی.

رستم، سیاوش، مکا نیسم‌های دفاعی، جا به جایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1154079>

